

# رفع حسادت به منزله دستاورد جانبی

جدایی نادر از سیمین / اصغر فرهادی / ۱۳۸۹ / نوشته چهارم: تحسین عمومی سینماگران ایرانی

چاپ شده در: ماهنامه سینمایی فیلم

زمان انتشار: نیمه اردیبهشت ۱۳۹۰

این یادداشت با عنوان «یکی دیگر از دستاوردهای جانبی موفقیت فرهادی: رفع حسادت» در اواسط دوران اکران عمومی فیلم به چاپ رسید؛ زمانی که هنوز سیر حسادت های آشکار و مکتوب و عجیب از سوی بسیاری بر سر او نازل نشده بود!

\*

\*

همه می دانیم که داریم در سینما و به طور کلی جامعه هنری حسودی کار و زندگی می کنیم. حسادت ورزیدن در این تعبیر مشخص یعنی آن که فیلمی را می بینیم و تفاوت و تمایزش نسبت به هنجارها و سطح این سینمای لاغر و طفلی را تشخیص می دهیم اما تلاش می کنیم از آن خوش مان نیاید و بی استدلال درست، ساز مخالف کوک کنیم. این را خارج از از صفحات این مجله تخصصی که مثل نوعی فضای درون گروهی است و از جمله جلوی اغیار - مثلاً در برنامه ای مثل «هفت»- نباید گفت تا به نفع نهادها و نگاه های دیگر و به زیان سینما تمام شود. ولی واقعیتی است که همه می دانیم؛ گاه از آن شرمسار و گاه هم دانسته یا ندانسته، دامن زنده آنیم. حسادت ها در فضای این سینما به طور طبیعی با موفقیت های افراد یا با اقبال همه جانبه فیلم یا فیلمسازی نزد مردم، منتقدان و جرگه های خاص سینمایی مانند جشنواره ها و غیره، می تواند به اوج برسد. اما شگفت و شوق آور است که این همه را اصغر فرهادی با درباره الی... و بیش از آن با جدایی نادر از سیمین به دست آورده؛ اما جز مواردی انگشت شمار و آشکارا تصمیم گیری شده که دست تطاول به خود گشاده اند و حرجی بر آنها نیست، عموماً درست برعکس، ستایش هایی در خور از جانب همکاران و سینماگران ایرانی دریافت کرده است. رخشان بنی اعتماد بعد از نمایش درباره الی... در جشنواره بیست و هفتم فجر گفته بود درستش این است که ۱۲ سیمرغ بفرستید دم خانه فرهادی و خودتان را خلاص کنید. علی معلم با وجود جایگاه تهیه کنندگی نوشته بود اگر درباره الی... یک ژنرال چهار ستاره

است، باقی فیلم های این سینما مثل مجموعه ای سرباز صفر می مانند. بهمن فرمان آرا خاک آشنا را از میان فیلم های متقاضی معرفی به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا خارج کرده بود و گفته بود به احترام درباره الی... و ارزش هایش این تصمیم را گرفته. سیروس الوند با جدیت می گفت وقتی نسل فرهادی به دستاوردهایی در این ابعاد رسیده، «نسل ما باید بجنبد و بدود و بسازد». پیمان قاسم خانی با دیدن جدایی نادر از سیمین می گفت ما در بهترین فیلمنامه هایمان داریم یک پرسپولیس - استقلال نسبتاً زیبا می سازیم و فرهادی در لالیگای اسپانیا آن هم در بارسلونایش مشغول است. بازیگر ثابت سه فیلم اخراجی ها، محمدرضا شریفی نیا با وجود رقابت های ظاهری و غیره، در ستایش جدایی نادر از سیمین بعد از نمایش آن در جشنواره بیست و نهم یادداشتی شعرگونه نوشت. همکاران مسعود کیمیایی با وجود خرسندی از جوایز فیلم جرم در جشنواره، هر جایزه ای را که به فیلم فرهادی داده می شد، «حلال تر از شیر مادر» می دانستند. و در مراسم تقدیر از فرهادی و بازیگران ستایش شده برلیناله که در خانه سینما برپا شد، از عباس کیارستمی تا فرمان آرا تا فرهاد توحیدی تا جعفر پناهی و دیگران، تقریباً همه بابت علاقه به فیلم در مراسم حضور یافته بودند؛ و گر نه این سینما معمولاً فقط بابت همبستگی صنفی نمی تواند آدم ها را به تحسین مشترک اثری وادارد. تردیدی نیست که شخصیت متین و بی حسادت خود فرهادی هم در شکل گیری این مناسبات نقش داشته، اما اگر فیلم هایش در این حد و با این تأثیرگذاری نوشته و ساخته نمی شدند، شخصیتی با متانت ده برابر این هم به تنهایی نمی توانست به درمان موقت بیماری حسادت من و ما نائل آید. حتی منتقدان هم غالباً بهترین نوشته هایشان را درباره فیلم هایی در این سطح می نویسند و این جاست که می شود دید سینمای درست، حال همه را خوب می کند.